



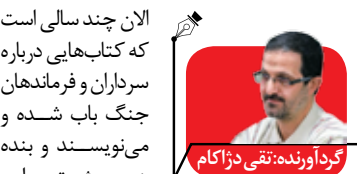
شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۱۲

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

می ترسم این کتاب‌ها

به دست تان نرسد...



الان چند سالی است آمده‌اند! این اوستا «عبدالحسین نژدنی» یک جوان مشهدی بنا که قبل از انقلاب یک بنا بود و با بنده هم مرتبط بوده، شرح حالش را نوشته‌اند و من توصیه می‌کنم و واقعا دوست می‌دارم شماها بخوانید. من می‌ترسم این کتاب‌ها اصلا دست شماها نرسد. اسم این کتاب «خاک‌های نرم کوشک» است؛ قشنگ هم نوشته شده.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای / من و کتاب انتشارات سوره مهر - صفحه ۳۰

رقص در چهل‌هاله!

وسط خیابان مانده بودیم بین ماشین‌های دیگر و مشغول تماشا بودیم که یک‌دفعه چند تا مرد جوان بر سمت امیر را باز کردند و کشیدندش بیرون. می‌خندیدند و می‌گفتند: «غلاب پیروز شده. باید برقصی». امیر چند لحظه میبهرت نگاشان کرد. چهل‌هاله بود و لباس مشککی تن‌ماں بود ولی نمی‌دانم چه در ذهن امیر گذشت که یک‌دفعه شروع کرد به بالا پایین کردن دست‌هایش و رقصیدن. اشک از چشم‌هایش می‌آمد اما می‌رقصید و با دست‌هایش اشک‌هایش را پاک می‌کرد. هر دو گریه می‌کردیم. **آزاده فروزانه/ااسلا قبول می‌شویم** برگی از زندگی بانو غفث نجیب‌ضیا چاپ اول، تهران: انتشارات راه بار، زمستان ۱۴۰۱ صفحه ۲۰۹

وقتی چخوف روشنفکران را توصیف می‌کند...

تروفیموف: بی‌شماری از روشنفکران که من می‌شناسم، عقب هیچ و پوچ می‌گردند، کاری انجام نمی‌دهند و به درد کاری هم نمی‌خورند. خودشان را روشنفکری می‌نامند اما همه‌شان به‌نوکرهایشان توهین می‌کنند، با دهقانان مثل گله گوسفند رفتار می‌کنند، همه‌شان بد درس خوانده‌اند، جدا و واقعا چیزی نمی‌خوانند، کاری انجام نمی‌دهند، راجع به علوم فقط دلد سخن می‌دهند، از هنر کم‌سر درمی‌آورند، همه‌شان خود را می‌گیرند، قیافه‌های‌شان جدی است، گنده‌گنده حرف می‌زنند، مدام تئوری می‌یافتند، در حالی که توده وسیعی از ما، ۹۹ درصد از مردم، مثل بردگان زندگی می‌کنند، با جزئی ناملایمی از جا درمی‌روند و مشت به چانه طرف حواله می‌کنند، بد و بیراه می‌گویند. غذای مردم بد است. توی اتاق‌های خفه و بی‌هوای خوابیدن، در کناف می‌اولند، همه جا پر از سلس است، گند و عفونت و رطوبت همه جا را پر کرده است، اخلاق همه از دست رفته است و به‌طور آشکار همه مردمی که حرف‌های قشنگ‌قشنگ می‌زنند و به حرف چسبیده‌اند، قصدشان اغفال و بستن چشم ما و دیگران است.

آنتون چخوف/ باغ آلبالو سیمین دانشور چاپ دوم، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۴۲ صفحات ۵۹ و ۶۰

مردگان!

گفتند: ای شیخ! دل‌های ما خفته است که سخن تو در وی اثر نمی‌کند. گفت: کاش خفته بودی، که خفته را بجنبانی بیدار شود! دل‌های شما مرده است که هر چه بجنبانی‌اش بیدار نمی‌شود.

فریدالدین عطار نیشابوری / تذکره الاولیاء باب شیخ حسن بصری - انتشارات زوار - صفحه ۳۳

چرا مطهری را پیاده کردند؟

شایعات علیه مسؤولان نظام شدت رواج داشت، بویژه مخالفت با مرحوم بهشتی تقریبا همه جاشنیده می‌شد. یکی از روحانیان معروف را که در سال‌های اول انقلاب در دستگاه قضایی بود و بشدت از بنی‌صدر طرفداری و با مرحوم شهید بهشتی مخالفت می‌کرد، روزی هنگامی که وارد دفتر حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه می‌شدم دیدم، به او گفتم: «بنی‌صدر چه امتیازی دارد که تو از او حمایت می‌کنی؟» پاسخش داد: «بنی‌صدر امتیازی ندارد! حمایت من از او برای مخالفت کردن با بهشتی است». این داستان مرا به یاد خاطره‌ای دیگر می‌اندازد. یکی از اعظم نقل کرد: «قبل از پیروزی انقلاب، روزی در قم با مرحوم شهید مطهری سوار ماشین بودم و من رانندگی می‌کردم. سخن من از همین روحانی مورد اشاره پیش‌آمد. آقای مطهری انتقاداتی به او داشت. من ناراحت شدم که چرا ایشان از یک روحانی مبارزی مثل او اینگونه بدگویی می‌کنند. لذا اعتراض کردم که شما چرا؟» مرحوم مطهری فرمود: او دین ندارد من از فرط عصبانیت، آقای مطهری را از ماشین پیاده کردم». **محمد محمدری‌شهری / خاطره‌ها** چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۸۶ جلد اول، صفحه ۱۷۹

حضرت امیر المومنین (ع):

دروغگو با دروغ خودش ۳ چیز به دست می‌آورد: خشم الهی بر او، اهلانت به خودش از طرف مردم سرزنش و نکوهش فرشتگان نسبت به او.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبانی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
info@vatanemrooz.ir پست الکترونیک: vatanemrooz@info.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر پرتا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

استانرت و شیدا بدون استاندارد وارد بازار شده‌اند برخی پلتفرم‌ها فقط برای یک سریال ساخته می‌شوند

بی‌قانونی در وی‌اودی‌ها

حالا با تولید محتوای اختصاصی و قراردادهای مداوم با بازیگران و کارگردانان مطرح، نوعی بازار نیمه‌انحصاری را برای خود رقم بزنند.

نماوا نیز با پشتوانه شرکت فَناب و ارتباطات مالی با بانک پاسارگاد، از منابع مالی پایدار و تیم مهندسی حرفه‌ای برخوردار است که به آن اجازه داده زیرساخت‌های پخش امن، ضدسرقت و با کیفیت بالا ایجاد کند. اما آنچه درباره پلتفرم‌های نوظهوری مانند شیدا، استارنت و چند مورد دیگر مانند سینماگرام، تماشاخانه و پرده روشن مشاهده می‌شود، شباهتی به یک بنگاه رسانه‌ای ندارد؛ بیشتر به «لایح» شدن موقت یک اپلیکیشن برای پخش یک پروژه خاص شباهت دارد. به بیان دیگر، پلتفرم‌سازی در این موارد نه یک هدف فرهنگی و اقتصادی بلندمدت، بلکه ابزاری است برای توزیع یک محتوای از پیش ساخته‌شده با اهداف تبلیغاتی، سیاسی یا اقتصادی کوتاه‌مدت. در بررسی ما از ساختار سهامداری این پلتفرم‌ها، نکته قابل‌توجه دیگری هم دیده می‌شود.

برخی از این پلتفرم‌ها مانند شیدا و سینماگرام، در لایه سهامداران خود با نهادهای وابسته به برخی موسسات مالی یا افراد مساله‌دار قضایی ارتباط دارند. این وابستگی ساختاری، موجب آن شده که مأموریت پلتفرم از رقابت آزاد رسانه‌ای و جذب مخاطب با کیفیت محتوا فاصله بگیرد و بیشتر به بازاری توزیع پروژه‌هایی بدل شود که در خدمت اغراض سیاسی یا اقتصادی پشتیبانان پشت پرده این افراد هستند.

بنابراین، کاربر با پلتفرمی روبه‌رو نیست که برای انتخاب آزادانه طراحی شده باشد، بلکه با ویتترینی از محصولات از پیش تأییدشده مواجه است که در قالبی رنگارنگ عرضه شده‌اند. مقایسه با نمونه‌های خارجی، تفاوت فاحش این رویکردها را روشن‌تر می‌کند. نتفلیکس، HBO Max و آمازون پرایم هر کدام نه‌تنها با زیرساخت‌های فنی بسیار پیشرفته و تیم‌های چندصد نفره مهندسی و تولید فعالیت می‌کنند، بلکه در ساختار حقوقی و مالی خود نیز از شفافیت بالایی برخوردارند. مثلا نتفلیکس به عنوان یک شرکت سهامی عام، موظف به انتشار گزارش‌های فصلی و ارائه اطلاعات دقیق درباره سود و زیان، هزینه‌های تولید و ترکیب درآمدی خود است. این شفافیت، سرمایه‌گذاران، مخاطبان و حتی نهادهای ناظر را قادر می‌سازد تا ارزیابی دقیقی از سلامت مالی، مأموریت فرهنگی و پایداری تجاری آن داشته باشند. افزون بر این، محتوای تولیدی این پلتفرم‌ها عموماً مبتنی بر داده‌کاوی گسترده از سلاقی کاربران، پژوهش‌های بازار و تحلیل رفتار مخاطبان است؛ امری که در پلتفرم‌های داخلی، بویژه موج جدید آنها، به‌کلی غایب است.

از سوی دیگر، پلتفرم‌هایی مانند شیدا و استارنت، حتی فاقد یک سیاست روشن برای امنیت داده‌های کاربران هستند. بررسی سیاست‌نامه حریم خصوصی آنها - در صورت وجود - نشان می‌دهد در بیشتر موارد، داده‌های حساس مانند موقعیت جغرافیایی، نوع دستگاه یا حتی اطلاعات پرداخت، بدون رمزگذاری کافی یا بدون اعلام صریح نحوه استفاده، ذخیره می‌شوند. این نقض امنیتی در فضای دیجیتال امروز، بویژه برای کاربرانی که با اپلیکیشن‌های بانکی و رسانه‌ای دیگر درگیرند، می‌تواند زمینه‌ساز حملات سایبری یا نقض حریم خصوصی شود.

از نظر اقتصادی نیز مدل درآمدی این پلتفرم‌های نوظهور اغلب مبهم است. برخلاف پلتفرم‌هایی چون نماوا و فیلیمو که با جذب آگهی، اشتراک‌های ماهانه و فروش رایت خارجی به کسب درآمد می‌پردازند، برخی از پلتفرم‌های جدید، اشتراک رایگان یا تخفیف‌های عجیب‌وغریب عرضه می‌کنند،

وطن امروز



همچنین در کنار نبود چارچوب مشخص برای فعالیت این پلتفرم‌ها، مساله فیلترینگ گزینشی و بی‌ثبات در سطح کلان نیز مزید بر علت شده است. از سویی، دسترسی به بسیاری از پلتفرم‌های جهانی قانونی به بهانه تقابل فرهنگی با اقتصاد مقاومتی محدود شده اما از سوی دیگر، پلتفرم‌های داخلی بدون ساختار و اغلب ناکارآمد، بدون هیچ‌گونه ارزیابی کیفی، مجوز فعالیت گسترده می‌گیرند و در رسانه‌های رسمی نیز تبلیغ می‌شوند. این تناقض، نوعی سردرگمی راهبردی را در سیاست‌های فرهنگی بازتاب می‌دهد که در بلندمدت به گسترش مصرف بی‌ضابطه، تخریب سرمایه فرهنگی و فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد انجامید. نکته مهم دیگر آن است که بخش قابل توجهی از محتوای این پلتفرم‌های نوظهور نه‌تنها فاقد خلاقیت است، بلکه به نوعی بازتولید ضعیف یا تقلیدی از الگوهای سطحی شبیه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام یا یوتیوب است. در مواردی، حتی ساختار برنامه‌سازی به وضوح از محتوای بازاری شبه‌طنزهای مجازی اقتباس شده، بدون آنکه از نظر فرمی یا محتوایی غنای تازه‌ای به آن اضافه شود. نتیجه، اشباع بی‌هدف از سریال‌هایی به ریتم شدن به قطب تولید محتوای بومی در خاورمیانه بر چهره است که بیشتر به یک فضای کمررق و خنثی شباهت دارند تا یک زیست‌بوم خلاق نمایشی. در این وضعیت، حتی هنرمندان و کارگردانانی که به دلایل مالی یا محدودیت‌های تولید در تلویزیون دولتی به پلتفرم‌های خصوصی پناه آورده‌اند، به‌تدریج با فقدان چشم‌انداز هنری و خستگی ساختاری مواجه می‌شوند.

از این گذشته، مخاطب ایرانی امروز، مخاطبی ساده‌لوح یا منفعل نیست. تجربه زیسته او در فضای متکثر رسانه‌ای، از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا پلتفرم‌های جهانی، نوعی حساسیت کیفی و مقایسه‌گر در او شکل داده که نمی‌توان با برجسب‌های کلیشه‌ای «تولید بومی» یا «حمایت از داخل» او را به مصرف محتوای کم‌کیفیت ترغیب کرد. برعکس، در نبود کیفیت، امنیت، شفافیت و احترام به سلیقه، این مخاطب نه‌تنها به سمت پلتفرم‌های غیررسمی گرایش می‌یابد، بلکه بی‌اعتمادی‌اش به ساختار رسمی نیز تشدید می‌شود.

این همان شکاف خطرناکی است که در حوزه سیاست فرهنگی، به‌تدریج به انفصال کامل میان ملت و نهادهای تولید فرهنگ خواهد انجامید. بنابراین، راهکار نه در پاک‌سازی میدان رقابت از طریق محدود کردن بازیگران اصلی و نه در رهاسازی مطلق فضا به امید خودتنظیم‌گری بازار است، بلکه از نهادهای خاص منبعث می‌شوند؛ آنچه در عمل شاهد آن هستیم، نوعی راه‌شدگی در فضای تنظیم‌گری رسانه‌ای است که از یک‌سو، فشار شدید و خط‌کشی‌های سنگین‌رانه بر پلتفرم‌های شناخته‌شده و دارای هویت مستقل اعمال می‌شود و از سوی دیگر، فضا برای رشد چارچ‌گونه آپ‌های باز گذاشته شده که حتی نمی‌توان با اطمینان گفت از کدام مجوز یا با چه نوع نظارت قانونی بهره‌مندند. این خلأ نظارتی نه‌تنها رقابت سالم را از میان برداشته، بلکه زیرساخت اعتماد عمومی به نهادهای رسمی را نیز تضعیف کرده است.

«هارداسان» به نمایشگاه کتاب رسید

هارداسان که شامل ده‌ها تصویر عمدتاً دیده نشده از شهید رئیسی در موقعیت‌های گوناگون است در ۴۰۰ صفحه از سوی انتشارات سوره مهر به زیور طبع آراسته شده و در غرفه این انتشارات در نمایشگاه بین‌المللی کتاب عرضه می‌شود.

چرا آمریکادر جنگ یمن شکست خورد

که نسبت به حمله یمن به فرودگاه بن‌گوریون اتخاذ کرد، نشان داد آنگونه که نتانیاهو انتظار داشت، نسبت به این حمله واکنش نشان نداد. بر همین اساس اکنون مقامات رژیم صهیونیستی در حالی که انتظار کشنده هر کسی می‌دانند یمنی‌ها در نزدیک به ۲ ماه گذشته چه بخوبی می‌دانند معادله جنگی با یمن، حالا کاملاً به زیان آنهاست. به اعتقاد کارشناسان، شرایط فعلی، یک فرصت مناسب برای ارتش یمن است تا ضربات سهمگینی به رژیم صهیونیستی وارد کند.

یمنی‌ها، خاصه انصارالله، هم در جریان جنگ تحمیلی سعودی و امارات و هم در جریان بیش از یک و نیم سال جنگ با رژیم صهیونیستی، نشان داده‌اند سیاستمداران و جنگجویان باهوش و بسیار شجاعی هستند.

آیت‌الله رئیسی در دوران ۳۳ ماهه ریاست‌جمهوری گردآوری شده است. همچنین شرح برخی ملاقات‌های محرمانه و مهم رئیس‌جمهور شهید در داخل و خارج از کشور برای نخستین‌بار در این کتاب بیان شده است.

چرا آمریکادر جنگ یمن شکست خورد

ترامپ به حمله موشکی یمن به بن‌گوریون نیز بر هراس صهیونیست‌ها افزوده است. در واقع واکنش ترامپ نشان داد آنچه برای او در اولویت قرار داشته و دارد؛ هدف قرار نگرفتن منافع آمریکا از سوی یمنی‌هاست. ترامپ بیش از هر کسی می‌داند یمنی‌ها در نزدیک به ۲ ماه گذشته چه بر سر آمریکایی‌ها آورده‌اند. در واقع او فهمیده است در دفاع از نتانیاهو، چه هزینه هنگفتی داده است. به همین خاطر الان برای او، مهم این است دیگر یمنی‌ها کشتی‌های آمریکایی را هدف قرار ندهند.

بنابراین اگر چه ترامپ قطعاً به حمایت‌های خود از رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد و حتی قابل پیش‌بینی است که فشار لازم برای جلوگیری از انتقام یمنی‌ها از رژیم صهیونیستی را اعمال خواهد کرد اما او با موضعی

خود را از آن دوران به رشته تحریر درآورده است.

در این کتاب خاطرات دست اول و ناشنیده‌ای از سلوک شخصی، دغدغه‌ها و رفتار مدیریتی، حواشی سفرهای داخلی و خارجی و جلسات مختلف

کتاب هارداسان؛ ۲۲۲ روایت از ۱۰۵۰ روز همراهی با شهید جمهور، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی به قلم محمدمهدی رحیمی به بازار نشر آمد. رحیمی در دولت سیزدهم، مدیر کل روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور بوده و خاطرات و مصاحبهات

ادامه از صفحه اول

حمله موشکی به فرودگاه بن‌گوریون و توافق آتش‌بس میان آمریکا و یمن، معادله جنگ به این موضوع است که رژیم صهیونیستی حمله دیوانه‌وار به یمن و ویران کردن فرودگاه صنعا را با پیش‌فرض حضور مستقیم آمریکا در این جبهه انجام داده اما با قرار آمریکا از این معرکه و اصطلاحاً قال گذاشتن تل‌اویو، حالا صهیونیست‌ها بشدت از تبعات و عواقب این حمله وحشت کرده‌اند. حمله روز سه‌شنبه، همان‌گونه که مقامات و ارتش یمن اعلام کرده‌اند، عبور از خط قرمز یمن بود. حالا ارتش یمن بر اساس قوانین بین‌المللی، این حق را دارد که مراکز و تأسیسات رژیم صهیونیستی را در همان سطح حمله روز سه‌شنبه، مورد هدف قرار دهد. واکنش



یادداشت

قبل به رژیم صهیونیستی می‌رسد و در سوی مقابل، دست رژیم صهیونیستی مانند سابق به یمن نمی‌رسد. این دو عامل باعث شد معادله جنگ به نفع انصارالله تغییر کند. مهم‌ترین دلیل ناراحتی و عصبانیت نتانیاهو از ترامپ به خاطر آتش‌بس با یمن نیز همین موضوع است. اما آنچه عصبانیت رژیم صهیونیستی را بیشتر کرده است؛ حمله دیوانه‌وار روز سه‌شنبه به یمن و تأثیر آن در تشدید